

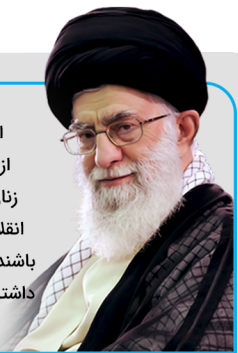
پیشانی

عهدی است میان ما و حقیقت



مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درد؛ آمریکا، چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد.

اگر فرهنگ نگاه احترام آمیز به زنان نهادینه شود، بسیاری از مشکلات جامعه حل و از زنان رفع مظلومیت خواهد شد. زنان فعال، کارآمد، عالم، نویسنده و اندیشمند در جبهه دفاع از انقلاب اسلامی باید حضور جدی‌تر و نمایان‌تری در صحنه داشته باشند. ما در زمینه مسائل زنان در جمهوری اسلامی ایران پیشرفت داشتیم ولی این پیشرفت‌ها متناسب با نیازها و توقعات مورد نظر اسلام نیست و باید تلاش بیش از پیشی انجام گیرد.



سوسک شده بود!



اوایل ترم بود و دانشجوها بعد از دو هفته در خانه بودن و غذای گرم و تازه و مامان پز خوردن با کوله بارهایی که گویی برای سفر قندهار بسته شده‌اند راهی بیابان‌های بی‌آب و علف دانشگاه یزد شدند؛ اما بیشتر از ۱۰ روز از این تشریفات و آن بدرقه‌ی شور انگیز نگذشته که حوالی ظهر خبر می‌دهند کرونا آمده است، جان‌تان را بردارید و فرار کنید که می‌خواهند سم پاشی کنند. نخود نخود هر که رود خانه‌ی خود... حالا دانشجوی درمانده، مانده است که در این رفتنی که برگشتنش را خدا می‌داند، اهم و مهم کدام است و چه چیزها را ببرد با خود و کدام وسایل بماند که جایش امن است. از صاحب اختیاران امور جویای اوضاع می‌شود و اطمینان می‌یابد که بروید به سلامت؛ یخچال‌ها در برق است و جای خوشمزه‌جات‌هایتان امن و امان... اما حالا که اوایل اردیبهشت شده و کم‌کم وسایل جامانده ضروری می‌شوند تصمیم می‌گیرد سری به خوابگاه بزند... هنگام ورود به امید ایمیوهای در بسته‌ی یخچالش به سر یخچال می‌رود که گلویی تازه کند که گویی درب یخچال آکبندی را باز می‌کند... به اطراف نگاه می‌کند و از حجم وسایلی که بوده و نیست شوکه می‌شود، به سر خشکبار می‌رود که آب قندی درست کند برای تسکین حال خود که می‌بیند ای دل غافل، جا تر و بچه نیست... به دنبال مسئولی می‌گردد که او را از شوک وارده خارج کند و می‌شنود که: «برای سم پاشی برق اتاق‌ها قطع شده»، «قطعی برق به ما ربطی نداشته و از اداره برق شهر یزد، قطع شده»، «... خلاصه قطعی برق باعث شده چندین کیلو گوشت قرمز و سفید همه نابود شود... می‌رود به دنبال دلیل که پس بقیه وسایل خارج از یخچال کجاست؟ و جواب می‌گیرد: «سوسک شده بود!» و حالا با یک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید به ازای هر دانشجو (اگر فقط یک کیلو از این برنج و حبوبات را حساب کنید) چند صد کیلو نعمت خدا از بین رفته است! می‌دانید دانشجوی خوابگاهی روزگار کم بودن نعمت (تو بخوان نبودن) را در دوران دانشجویی بیشتر از دانشجویی که خوابگاه زندگی نکرده چشیده و خودمانیم اهل قناعت و عاقبت شده و از این اسراف ناخواسته ولی عظیم، سخت دلگیر است...

کهنه زخم عمیقی که با چسب زخم قابل درمان نیست!

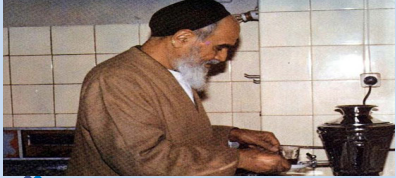
اولیه شرکت کیا بوده و بعد از آن چندین فیس لیفت و ارتقا یافته به طوری که با یک سرچ ساده می‌توانید پراید فعلی شرکت کیا را ببینید ولی ما همچنان اندر خم همان یار قدیمی هستیم، البته مثل اینکه بالاخره امسال پس از سال‌ها بحث و جنجال فراوان قرار است با پراید خداحافظی کنیم، ولی این نکته نیز هست که سایپا به این راحتی دست از سر پراید نمی‌کشد و هنوز پلتفرم و روح پراید در محصولات مشابه مثل تیبا و ساینا ملموس است و این اتفاق در ایران خودرو نیز کاملاً مشهود است (جابجایی موتور پیکان به روی اریسان و...) که به علت نبود زیرساخت و شرایط رقابت و همچنین وجود مدیران دولتی‌ای که آن‌چنان دلسوزی نسبت به آینده و افق تولیدات این شرکت‌ها ندارند و دائماً تقصیر را به گردن ماقبل خود می‌اندازند و تغییر و تحول و تلاش در جهت افزایش کیفیت را نه تنها در دستور کار خود قرار نمی‌دهند بلکه همین‌گونه کج‌دار و مریز سپری کردن دوره مدیریتی خود را ترجیح می‌دهند؛ متأسفانه تحریم‌ها نیز نشان داد که ما حتی در تولید محصولات داخلی نیز خودکفا نیستیم و با تشدید تحریم‌ها، خودرو و قطعه‌سازان به شدت با مشکل مواجه شدند که البته راهکارهایی مثل همکاری خودروسازان با سایر ارگان‌ها و صنایع نظامی از جمله سپاه و ارتش برای تامین خدمات و قطعات و توسعه محصولات

محصولات داخلی و خودروی ایرانی فقط مونتاژ برخی خودروهای شرکت‌های بزرگ در دستور کار قرار گرفت و نکر این نکته نیز به جاست که شروع خودروسازی در ایران تقریباً همزمان با کره جنوبی بوده است ولی متأسفانه این تفاوت فاحش فعلی که بین خودروسازی ایران و کره می‌بینیم، به نظرم ناشی از مدیریت دولتی و عدم خصوصی سازی صحیح و ایجاد بازار بسته و انحصاری برای خودروسازان دولتی (سایپا به ایران خودرو) و خصولتی (مونتاژ کاران چینی مثل کرمان خودرو و...) و همچنین تعرفه‌های سنگین و خارج از عرف برای خودروهای وارداتی که از لحاظ قیمتی قابل رقابت با تولیدات داخل نباشند در نظر گرفته شده که در ابتدا، هدف از ایجاد این فضا به اصطلاح تقویت شرکت‌های داخلی و حمایت از تولید داخل بوده است که متأسفانه در این زمینه کاملاً برعکس جواب داده و موجب سوء استفاده از فضای موجود و عقب افتادگی و درجا زدن و عدم پیشرفت شده به طوری که بعد از حدود ۵۰ سال سابقه خودرو سازی، بیشترین فعالیت خودروسازی ایران محدود به مونتاژ چند محصول رده خارج و قدیمی شرکت‌های مختلف و تولید انواع پژو و رنو است که موجب دادن باج و امتیازهای سنگین به پژو و رنو شده است (جهت مطالعه بیشتر داستان تولید و مونتاژ ال نود را بخوانید). همین پراید کذایی خودمان جزو تولیدات

آقای نجم‌پور

صنعت خودروسازی به عنوان صنعتی مولد و اشتغال‌زا به عنوان یکی از بازوان درآمدزا برای هر کشوری بسیار با اهمیت است و در معدود کشورهای اروپایی و آمریکا و شرق آسیا به صورت جدی روی این صنعت تمرکز و کار شده که نتیجه آن برای همگان مشهود است؛ مانند شرکت‌های بزرگ خودروسازی هیوندا، تویوتا، مرسدس بنز، بی ام و، فورد و... که حجم عظیمی از سرمایه و نیروی انسانی را به خدمت گرفته‌اند و بازار خودرویی دنیا را قبضه کرده‌اند و درآمزی بسیار بالایی برای صنعت کشورشان دارند. در سال‌های اخیر، بعضی از کشورهای عقب مانده از این صنعت هم به جرگه آنان پیوسته و به سرعت در حال رشد و ارتقای خود در این حوزه می‌باشند، مانند چین، هند، استرالیا، روسیه و... و عواملی که موجب رشد و ارتقاء در این صنعت شده رقابت شرکت‌ها برای عرضه محصول جدید و به‌روز با امکانات و ایمنی بیشتر برای جلب رضایت بیشتر مشتریان می‌باشد. اما می‌رسیم به داستان خودروسازی در ایران؛ مشهور است که اولین جرعه‌های تولید و مونتاژ خودرو در ایران با شرکت ایران ناسیونال و مونتاژ خودروهای آمریکایی و انگلیسی مانند پیکان که آشنای همه‌ی ایرانیان است شروع شده و این دیوار کج از همان زمان بنا نهاده شد که به جای سرمایه‌گذاری و تحقیق و توسعه روی

زیبا اما ساده



خانم میرزائی

تَجَمُّلیسم، اَشْرافیسم و حتی فراموشیسم... این کلمات زاده ترشحات لایه مننژیت خانم پارسا نیست که اگر هم بود جایی برای شگفتی نداشت؛ متعلق به دوران پسا کرونای هرم سبز بهارستان هم نیست؛ بلکه بیماری ای مزمن و مسری است که گونه ای از آدمیان را مبتلا می نماید و از حیث گونه های فرنگی، ایرانی، باسواد یا بی سواد هم تفاوتی قائل نمی شود. اما عده ای انگشت شمار، پادتن این مرض اپیدمی را نه تنها در خویشتن بلکه برای حق اندیشان و وارستگان ایام، تولید و ترویج کرده اند؛ یکی از آنان مردی است انقلابی که رد پای طلایی ترین ویژگی شخصیتی اش را در جای جای سبک زندگی فردی و اجتماعی اش می توان یافت. چنان که مونتسی، پروفیسور فرانسوی، در دیدار با او می گوید: «بیشتر از هر چیز زندگی ساده امام، مرا مجذوب خود کرد» و در هنگام ساخت مصالای تهران به دست اندرکاران یادآوری می نماید: «ضمناً سادگی مصلی، باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد و شدیداً از زرق و برق ساختمان های مساجد اسلام آمریکائی جلوگیری شود؛ خداوند تمامی دست اندرکاران برپاکننده مساجدالله را تأیید فرماید.» «اتاق سه در چهار، عمامه سیاه و زیرانداز ساده اش بوی زندگی می داد، آرامشش مرهم دل های مبارزین انقلابی بود و نگاهش ابهت و عظمت سکان دار مکتبی مردمی و استکبار ستیز را به جهان مخابره می کرد. حال فردی با این مختصات ظاهری و باطنی بر مزارش کاخی به فراخی باکینگهام بنا شده که حتی بصل الخناع بوستان و دشمنان بر این تناقض بر سر خود می کوبد. آن پیر کوخ نشین و امام مستضعفین کجا و این کاخ شاهانه و طاق های رومی و صلیبی اش کجا! مجریان مبتلا به بیماری فراموشیسم و اشرافیسم کشورمان از خانه ابدی بت شکن زمانه، کالبدی غول پیکر فاقد روح اسلامی ایرانی بنا کرده اند که غربت امام و فرهنگش را فریاد می زند و راه هر گونه اتهام یا شک و شبیه را گشوده است. حال باید کتاب ها را بگشاییم و قلم و نواتها را مهیا کنیم و بنویسیم امام ما آن پیر ساده زیستی بود که حتی اجازه گچ کردن حسینیه جماران را نمی داد ...

طرح فروش ویژه با شرایطی مشابه هفت خوان رستم برای پیش فروش ۲۵ هزار دستگاه خودرو گذاشته اند که به علت اختلاف قیمت زیاد با بازار، موجب هجوم عجیب مردم برای اسم نویسی شده که برای مدت کوتاهی باعث کاهش قیمت ها (البته نه بازگشت به قیمت معقول و منطقی) شده است که این مشابه چسب زخمی است برای زخمی که نیاز به جراحی و بخیه اساسی دارد! امیدواریم با منویات رهبری در بحث جهش تولید، بالاخره همتی برای تغییر و تحول اساسی در ساختار مدیریتی و نظام خودروسازی کشور شاهد باشیم و شاهد تولیدات محصولات بومی و با کیفیت که قابل رقابت و عرضه با محصولات خارجی باشد باشیم. ان شاء الله

به علت عرضه بسیار محدود و قطره چکانی خودرو توسط خودروسازان و عدم واردات خودرو و ورود دلالت و سرمایه گذاران به این بازار و رانت های مختلف توسط خودروسازان مثل داستان سلطان خودرو که به تنهایی ۶۷۰۰ خودرو را پیش خرید کرده بود باعث ایجاد التهاب شدید در بازار اردیبهشت ماه و افزایش ناگهانی قیمت خودروها شد به صورتی که به شکل کذایی قیمت پراید تا ۸۰ الی ۹۰ میلیون تومان بالا رفت. البته بخشی از این التهاب، ناشی از فرهنگ غلط جا افتاده در جامعه است که با گران شدن هر چیزی تقاضای کاذب و هجوم برای خرید آن ایجاد می شود که به نوعی مشوق گرانی است (به امید اصلاح این رویه). اما اکنون برای کنترل بازار، مسئولین

قابل ذکر است که اخیراً هم تفاهم نامه هایی بین ایران خودرو و ارتش برای تامین بعضی قطعات صورت گرفته است. در هر حال در شرایط پس از کرونا که اقتصاد اکثر کشورها، شرایط سخت و بحرانی را تجربه می کنند، خودروسازان بزرگ جهانی نیز درگیر این بحرانند به طوری که شنیده ها حاکی از آن است در چین در شرایط کرونا، فروش خودرو تا ۴۰ درصد کاهش داشته و شرکت های بزرگ نیز شرایط فروش ویژه برای محصولاتشان که با کاهش فروش شدید و رکود مواجه شده در نظر گرفتند تا بتوانند از این شرایط عبور کنند این در حالی است که در ایران

رومینا؛ قربانی عشق یا غیرت؟!

خانم ادریسی

مرد دیگری گرفتار شده اند تا شاید معنای زندگی را جای دیگری درک کنند. با مشاهده چنین اتفاقاتی، درمی یابیم که تا زمانی که این مسائل درون خانواده و توسط والدین حل نشود همین وضع ادامه دارد؛ شاید وقت آن رسیده که برخی از پدر و مادرها بفهمند، دختر و پسر هر دو موجوداتی آزادند و محدودیت بیش از حد برای دختران، فقط توانایی درست زندگی کردن را از آنها می گیرد، علاوه بر آن لازم است یکسری اصلاحات فرهنگی صورت بگیرد که اگر زمانی یک دختر نسبت به پسری احساسی پیدا کرد، قبل از بروز هر اتفاقی، موضوع را با خانواده خود در میان بگذارد تا فضای نوستی بین والدین و فرزندان شکل بگیرد و به تبع آن بهترین تصمیم ها اتخاذ شود؛ و برخی پدران نیز به وظیفه خود بهتر بپردازند و بستری را در کنار مادر، برای رشد و بالندگی فرزندان به وجود بیاورند نه اینکه با بروز هر اشتباهی از جانب فرزند (که حق فرزندش را هم درست ادا نکردند) به میل خود دست به کاری بزنند که عواقب آن برای فرزند درناک است و برای جامعه بهت آور... و البته پسران غیور سرزمینم هم باید توجه کنند که با توجه به فطرت وجودی خود، باعث نامنی و بی اعتمادی نشوند و اگر روزی حس کردند واقعا عاشق شده اند، از راه درست از بواج کنند نه اینکه به پای تمایلات شیطانی خود، نوامیس دیگران را قربانی کنند! متن خود را با حدیثی از پیامبر به پایان می رسانم که فرمودند: دختران خود را ناخوش ندرید زیرا آن ها مونس های گران بهایی هستند!

و اذیت های پدر به همراه بهمن، از خانه فرار می کند و بعد از چند روز وی توسط قاضی به خانواده خویش تحویل داده می شود. شواهدی دال بر این موضوع است که پدر رفتار مناسب و محبت آمیزی با فرزند خویش دارد و قاضی بنا بر همین شواهد این حکم را می دهد؛ اما نباید منکر این موضوع بشویم که قاضی قبل از دادن آن حکم، بنا بر اخلاق باید آن دخترک را به مرکز مشاوره ای سوق می داد تا شاید دردی را دوا کند و یا آن بی نوا دچار رابطه ای بی پایان نشود و گول پسرانی را نخورد که فقط با فراری دادن رومینا و امثالهم اوقات فراغت خود را می گذرانند (به نقل از اهالی روستا بهمن قبل از رومینا، دو دختر دیگر را فراری داده بوده). در واقع رومینا از چنگال مردی (پدر) به چنگال مرد دیگری (بهمن) فراری شد تا شاید گره از کاری باز کند اما دست ظالمی، مانع نفس کشیدن این دخترک شد. رومینا قربانی یکه تازی مردانی شده بود که خود را وارث جان و مال او می دانستند و به تدبیر خویش یکی با داس و دیگری با نشخوار بی وقت (حرف) جان دختر را گرفتند گویا بهمن دقایقی قبل از قتل رومینا با پدر او تماسی می گیرد و او را تهدید می کند. می توان به جد گفت رومینا و تمامی دخترانی که قربانی قتل های ناموسی شده اند، در محیط خانه از مهر و محبت پدری و مادری، برخوردار نبوده اند و محیطی که باید مأمنی باشد برای روابط دوستانه بین والدین و فرزندان را به خوبی درک نکرده اند؛ به همین خاطر به چنگال

بیش از یک هفته از ماجرای قتل رومینا اشرفی، نوجوان ۱۴ ساله اهل تالش می گذرد؛ که در پی آن انتقادهای شدیدی نسبت به قانون و جایگاه پدر در کشور به وجود آمد. انتقادهایی از جانب فمینیست هایی که مدعی ایجاد عدالت بین زن و مرد هستند، آن هم از روش های مختلف مانند: بی حرمتی به فطرت وجودی زن و مرد و اهم شمردن رابطه جنسی و... اما رومینا و تمامی دخترانی که قربانی تعصب بی حد و حصر پدر و یا برادر خود شده اند نمی دانستند عشق به آن شکلی که آن ها فکر می کنند، کلمه ای بی معنی و کشنده است، چون هنوز آموزش کافی را در این حیطة نه از سوی خانواده و نه از سوی نهادهای مرتبط ندیده اند و چنین عشق هایی آن ها را به سر منزل مرگ می رساند، چه عشق پدری باشد و چه عشق پسرکی که مدعی است مجنون قصه اوست! اما من نامش را عشق نمی گذارم بلکه این حس، پناه آوردن از جهنمی به جهنم دیگر است؛ وقتی معشوق ۱۶ سال از عاشق کوچکتر است، به معنای آن است که زنان و دختران زیادی در جامعه درگیر آزار جنسی هستند؛ چه از طرف خانواده و چه از طرف فردی که نسبتی با او ندارند. رومینا عاشق و دلباخته بهمن، که ۲۹ سال سن دارد می شود و به خاطر آزار



ترامپ دو سال پیش اعلام کرده بود که با اعمال تحریم های نفتی علیه ایران، می خواهد صادرات نفت ایران را به صفر برساند! اما امروز نفتکش ایرانی با پرچم جمهوری اسلامی ایران، با عزت و اقتدار در نزدیکی مرزهای آمریکا و در بنادر ونزوئلا آرام گرفته اند و خط هم به روی شان نیفتاده!



تبدیل شدن به پیرترین کشور دنیا، با وجود شوخی های زیادی که درباره اش شده هشدار خطرناکی است! و اگر مسئولان امر، همچنان نسبت به رفع موانع از بواج و فرزندآوری جوانان، بی توجه باشند، در آینده ای نزدیک شاهد بحران های بزرگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهیم بود.



و بالاخره آقای لاریجانی (علی اقتشون) پس از ۱۲ سال از صندلی ریاست مجلس دل کنند و جای خود را به آقای قالیباف باند تا همچنان ریاست بوره ای مطلقاً بر مجلس، ادامه پیدا کند. البته امیدواریم که شیوه مجلس گردانی و سیاست های اخذاتی شان متفاوت از هم باشد و علاوه بر شعارها، عمل هم زیبا باشند!

۲۸امین دوره انتخابات
تجمع اسلامی دانشجویان
باشگاه یزد، در تاریخ ۱۷
الی خرداد در سامانه
سامیاد برگزار می شود.
برای اطلاع از جزئیات
بیشتر و مشاهده ایامی
کندیدها، به صفحه ۵۵ تا ۵۸
همین فایل مراجعه کنید!

تاریخ برگزاری: ۱۷ خرداد ۱۴۰۳
ساعت برگزاری: ۱۰:۰۰ صبح
مکان برگزاری: سامیاد
شماره تماس: ۰۲۱-۳۳۱۷۱۷۱۷
وبسایت: www.samiad.ir

چوت پیژان
بلافاصله
بهر روز



اینجانب یاد گرفته‌ام سیب زمینی نباشم؛ یعنی در گوش‌مان خوانده‌اند سیب زمینی نباشید. سیب زمینی نبودن‌مان هم خلاصه شده در چهار تا پست، استوری و هشتگ اعتراض به عملکرد فلان مسؤل و فلان ارگان! خوب بلد شده‌ایم سیب زمینی نباشیم و مطالبه کنیم که تا چیزی رسانه‌ای می‌شود همه تحلیل‌گر می‌شویم و مطالبه‌گر، اما فقط وقتی که رسانه‌ای بشود... آخر سری که درد نمی‌کند را که دستمال نمی‌بندند و اصلاً لازم نیست که به چیزی که هنوز گذشت در نیامده ناخنک بزنیم مثلاً برایمان مهم نیست بدانیم روستایی به اسم غیزانه در خوزستان است؛ اصلاً شاید برایمان مهم نباشد که نفت و بنزین مورد نیازمان این روستا استخراج می‌شود، در واقع به ما چه که بدانیم در فلان روستا چه می‌گذرد؟! ما وظیفه داریم فقط وقتی به مسئله توجه کنیم که گذشت درامد ما وظیفه داریم هم‌رنگ جماعت شویم (بخوانید هم حزب باد) که نگویند فلانی با این همه ادعا، برای این مسئله هشتگ نزد... خدا ما را ببخشد! و همچنین خدا ما را ببخشد که سال ۹۴ منظور پرزینت محترم از جمله «باید تحریم‌ها از بین بروند تا مشکل آب خوردن مردم حل بشود» را نفهمیدیم و البته که اصلاً به ما چه که پیگیری کنیم که منظور کدام مشکل بود، آیا آن مشکل حل شد؟! وظیفه ما این است پنج سال بعد که جان مردم از وعده‌های در حال بررسی همیشگی،

سیب زمینی به نرخ هشتگ

می‌خورند، و البته نچسبیده‌ایم به صندلی‌هایی که فقط پز بررسی بدیم و در عمل... راستش را بخواهید دارم به این فکر می‌کنم که نکند ۴۰ سال است مسؤلین می‌خواهند انقلاب را سرنگون کنند و مستضعفین نمی‌گذارند، گویا مردم بیشتر از مسؤلینی که هر روز دنبال سهم‌خواهی از سفره انقلاب هستند پای کار انقلاب‌اند!



خالق‌های زندگی

کنیم؟ این تضادها در کنار هم هستند که به زندگی معنا می‌بخشند و چقدر خوب است که اینگونه است چون اگر غیر از این بود زندگی برای بشر ممکن نبود و دیگر امید، هدف و تلاش برای آمیزاد معنایی نداشت. در دیدگاهی وسیع‌تر می‌توان گفت چه آسانی‌ها و چه سختی‌ها چه شادی‌ها و چه غم‌ها، همه و همه زیباست و باید آن را پذیرفت، چراکه قلم تقدیر خداوند بزرگ در دنیا بر این اصل بوده و انسان هوشمند کسی است که بتواند از تمام این فرصت‌ها چه آنهایی که باب میل اوست و چه آنهایی که برخلاف میلش رویداده برای رسیدن به کمال و سعادت ابدی استفاده کنند و لحظات فانی این دنیا را در هر شرایطی به ابدیت پیوند بزنند و چه کاری مهم‌تر و بهتر از آن که انسان با در نظر گرفتن خدا و با نیتی الهی به تمام کارها و اعمالش رنگ توحید بزنند و تمام تضادهای بنیادی کثرات را برای آن واحد یگانه جاودان و واحد سازند.

خصوصیات کاملاً متفاوت در کنارشان می‌آیند و می‌روند. باید سه ماه سرمای زمستان را تجربه کنید تا بهار برایتان معنا پیدا کند. انسان‌ها تضادهای طبیعت را دوست دارند و نبود آن را غیرقابل تصور می‌دانند از این رو آن را پذیرفته‌اند و در کنار لذت بردن از برف زمستانی، طبیعت سرسبز بهار را هم بلندترین می‌دانند اما اکثر همین افراد در برخورد با تضادهایی که در زندگی روزمره وجود دارد آشفتگی می‌شوند. آن‌ها دوست دارند همواره شاد باشند در حالی که باید غم را هم در کنار آن بپذیرند (منظور غم بنیادی فانی و نشأت گرفته از جهل آدمی نیست). مردم خواستار پیروزی و موفقیت‌های مداوم هستند در حالی که باید رنج‌ها کشید تا موفقیت‌ها حاصل شود و یا شکست‌ها را تجربه کرد تا مزه شیرین پیروزی‌ها را چشید. اگر بیمار نشویم پس چه موقع قدر عافیت را بدانیم؟ و اگر سختی پیش نیاید چگونه از نقص‌هایمان آگاه شویم و رشد

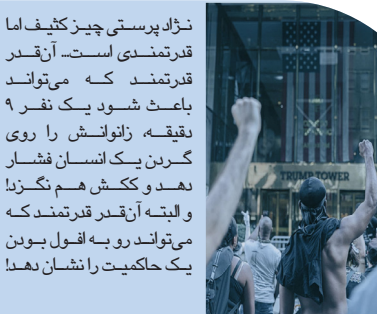


بسیاری از انسان‌ها همواره از تضاد‌های زندگی گلیه می‌کنند اما خودشان وقتی از تضادها دور می‌شوند باز هم کلافه می‌شوند و گویی خودشان هم نمی‌دانند چه می‌خواهند و نه‌بیت درستی هم نسبت به این مسئله ندارند. مثلاً وقتی چند روز در خانه تنها بمانند دلشان می‌خواهد به یک مهمانی یا دورهمی دوستانه بروند اما اگر همین مهمانی‌ها هم چند روز طول بکشد دوباره دلشان می‌خواهد چند روزی تنها باشند. در حقیقت مدام شکوه می‌کنند و نه تنها از زمان حال لذت نمی‌برند بلکه توجهی هم ندارند که همین تضاد هاست که به زندگی آنها معنا می‌بخشد. فکر کنید همیشه هوا تاریک یا آفتابی بود، کدامشان را می‌پسندید؟ در اصل شب و روز در کنار یکدیگر زیبا هستند یا مثلاً تصور کنید اگر همیشه فصل تابستان بود، دلخواهتان بود؟ در حقیقت فصل‌ها به این دلیل جذاب هستند که فصل‌های دیگری با

مثل یک پدر



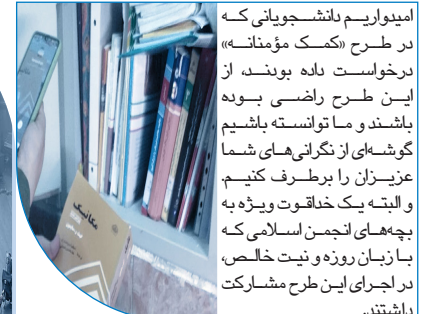
یک پدر، یک استاده، یک رهبر هر ساله یک یا دو بار جلسه‌ای بسیار صمیمی و دوستانه با دانش‌جویان دانشگاه‌های کشور برپا می‌کند و اجازه می‌دهد این جوانان حرف دل‌شان را بدون هیچ سانسوری بر زبان جاری کنند و با گوش شنوایی همه این‌ها را با صبوری می‌شنود و اگر تندروری یا کندروری در بیان ایشان دید یک تذکر پدرا نه به ایشان می‌دهد و آنان نیز از دل و جان می‌پذیرند. به طوری که هم نصیحت کرده‌اند، هم درس اخلاق و انصاف داده‌اند و هم همه این‌ها به بهترین نحو اثربخش بوده است... این در حالی است که هیچ‌کدام‌شان از این که ساعت‌ها باید با زبان روزه بنشینند و گوش دهند، احساس خستگی و تشنگی و گرسنگی که نمی‌کنند هیچ، بلکه احساس لذت و مسرت نیز می‌کنند و آرزو می‌کنند ای کاش زمان اندکی با آنان مدارا کند و دیرتر این عقربه‌های ساعت بچرخد و این جلسه بیشتر به طول انجامد. دانش‌جویان از هر دری با رهبرشان سخن می‌گویند و هر سخنی از دل‌شان برمی‌آید به زبان می‌آورند؛ از دغدغه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی تا مشکلات شغل، مسکن، ازدواج و... اما رهبر فرزانه انقلاب پس از شنیدن همه این‌ها با بزرگواری و متانت می‌گویند با «جوانان کارها دشوار نیست... شما از خودتان شروع کنید و این اوضاع نابه‌سامان را سامان دهید، من هم هر کمکی بتوانم می‌کنم اما قسمت عمده به دست خود شما حل می‌شود امیدوار باشید! در برخی دیدارهای رهبری با دانش‌جویان، افراد نخبه مدال‌هایی که از المپیادهای کشوری و جهانی هدیه گرفته‌اند را تحفه برای رهبرشان می‌آورند، ایشان نیز با عطف و مهربانی به آنان می‌گویند من این‌ها را از شما می‌پذیرم و تشکر هم می‌کنم ولی باز به خود شما برمی‌گردانم... همچنین برخی دانش‌جویان در دیدارها، چغیبه رهبر را درخواست می‌کنند؛ چغیبه‌ای که بوی عطر یاد می‌دهد و همواره آن‌ها را مدهوش خود می‌نماید. با بررسی بیانات رهبری در این سال‌ها و مخصوصاً در دیدار با جوانان، درمی‌یابیم ایشان بسیار دم از امید می‌زنند و اگر جوانی از سر یأس و ناامیدی، حرفی به زبان آورد با لبخند و مهربانی پدرا نه، او را به جاده امید سوق می‌دهند و نمی‌خواهند جوانان در ناامیدی و بی‌انگیزگی باقی بمانند.



فرمانده حفاظت جنگل‌ها» طی ۷۴ روز گذشته، ۲۴۰ آتش سوزی در ۱۱ استان کشور رخ داده که با تلاش محیط‌بانان، جنگل‌بانان و مردم، بیشتر آن‌ها مهار شدند.



تعداد کشته‌های حوادث آبان ۹۸ اعلام شد! به گفته آقای نولتور، در آبان ماه سال گذشته ۲۳۰ نفر کشته شدند که جزئیات آن هم منتشر شده است. بن امید است آقایان مسؤل، فهمیده باشند که فقط اعلام هرچه سریع‌تر آمار رسمی و بیان جزئیات و شفاف‌سازی برای مردم، جلوی آمارهای غیررسمی ۱۵۰۰ نفری و انواع تهاست و شایعات را می‌گیرد.



امیدواریم دانش‌جویانی که در طرح «کمک مؤمنانه» درخواست داده بودند، از این طرح راضی بوده باشند و ما توانسته باشیم گوشه‌ای از نگرانی‌های شما عزیزان را برطرف کنیم. و البته یک خلاقیت ویژه به چه‌های انجمن اسلامی که بازبان روزه و نیت خلص، در اجرای این طرح مشارکت داشتند.

مجازی به توان سه

تقریباً دو ماهی است که دچار آموزش مجازی شده‌ایم و کم کم داریم به بد و خوبش عادت می‌کنیم؛ از این رو تصمیم گرفتیم در این شماره از نشریه میثاق، با تعدادی از اساتید راجع به کلیت آموزش مجازی و حواشی و متعلقاتش مصاحبه‌ای داشته باشیم. در ادامه مصاحبه‌ی میثاق با استاد گل محمدی، مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه، و استاد یاراحمدی، عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی معدن و متالورژی و رییس پژوهشکده فناوری‌های معدن‌کاری، را مطالعه می‌کنید.

۱. تقریباً می‌توان گفت این ترم، به صورت مجازی گذشت... و حالا که تجربه آموزش مجازی را نیز دارید، نظر شما راجع به کلیت این نوع آموزش از لحاظ زیرساخت، بازدهی و سایر موارد چیست؟

استاد یاراحمدی | آموزش مجازی به‌طور کلی انتظارات من را برآورده ساخت و با توجه به شرایط و سرعت عمل دانشگاه و آماده شدن زیرساخت تنها گزینه تدریس بود.

استاد گل محمدی | درباره آموزش مجازی که در این ترم با آن مواجه شدیم ابتدا باید یک تشکر ویژه از تمام مسئولین و کسانی که در این راستا زحمت کشیدند داشته باشیم که در فرصت کم توانستند فضا و امکانات مناسبی جهت آموزش مجازی فراهم کنند. انصافاً جهت برگزاری کلاس‌های مجازی زیرساخت‌ها مناسب بود اما از جهت بازدهی هیچ‌گاه نمی‌توان آن را با کلاس‌های حضوری و چهره‌به‌چهره مقایسه کرد.

کلاس‌های مجازی بسیار خسته کننده و بی روح هستند و میزان بازدهی کار خود را نمی‌توان مشاهده کرد. کلاس‌های مجازی خصوصاً برای دروس معارف اصلاً مناسب نمی‌باشد چون اصل آموزش این دروس برخورد چهره‌به‌چهره است که خیلی مسائل و شباهت‌ها را از چهره و نوع نگاه دانشجو می‌توان متوجه شد که متأسفانه در کلاس‌های مجازی از آن بی بهره ایم علاوه بر آن در کلاس‌های مجازی خیلی راحت‌تر می‌شود بحث کرد و پرسش و پاسخ‌های چند جانبه داشت؛ کلاس‌های معارف وقتی نتیجه بخش است که دانشجو با خودشان با هم بحث کنند و نظرات همدیگر را نقد کنند که این نحوه کلاس‌داری در کلاس‌های مجازی ممکن نیست چون استاد اصلاً تسلطی بر کلاس ندارد و نمی‌داند دانشجو در چه حالتی دارد درس را گوش می‌دهد!

یکی دیگر از معایب کلاس مجازی این است که معلوم نیست دانشجو در چه فضا و حالتی دارد به درس شما گوش می‌دهد لذا ممکن است در فضایی باشد که هر لحظه حواسش پرت شود و مقداری از بحث را از دست بدهد. تعداد فعالین در کلاس مجازی بسیار کمتر از دانشجوین فعال در کلاس‌های حضوری است؛ همچنین در کلاس‌های حضوری استاد با نگاه و تسلطی که بر کلاس دارد

می‌تواند زمان خستگی دانشجو را تشخیص دهد و با بیان مطالب متنوع به کلاس روحی تازه ببخشد که متأسفانه در کلاس‌های مجازی چنین چیزی ممکن نیست!

۲. در این مدت تقریباً هم دانشجوین با مصوبات ستاد مبارزه با کرونا در زمینه فعالیت دانشگاه‌ها، درگیر بودیم... نظرتان راجع به این مصوبات و البته تصمیمات مسئولین دانشگاه که در پی آن گرفته می‌شد را بفرمایید؟

به نظرم یکی از دانشگاه‌های پیش‌تاز در تصمیم‌گیری برای تعطیلی دانشگاه بودیم و احتمالاً کمترین تلفات را به خاطر این تصمیم داشتیم.

خوب با توجه به مواجهه ناگهانی با کلاس‌های مجازی و معلوم نبودن طول مدت آن، تصمیم

گرفتن در این زمینه سخت می‌شود و گاهی تصمیمات ضعیفی هم گرفته می‌شود که با توجه به در نظر گرفتن این آیتم‌ها تصمیمات مسئولین دانشگاه هم بد نبودند. اما گاهی در برخی تصمیمات و کارها همه جوانب در نظر گرفته نمی‌شد یا با همه گروه‌های درگیر مشورت نمی‌شد مثلاً برخی موارد معلوم بود که مسئولین تصمیم گیرنده، از گروه‌های فنی و یا علوم پایه بوده‌اند که آشنایی کامل با مشکلات علوم انسانی و یا دروس عمومی نداشته‌اند و مواردی هم در زمان مناسب تصمیم‌گیری نمی‌شد و کمی طول می‌کشید تا تکلیف کار مشخص شود اما همان‌طور که گفتیم در چنین فضایی این مشکلات طبیعی است و در جمع نمره خوبی می‌توان داد.

۳. یک خواهش؛ به عنوان یک نماینده از قشر اساتید، برای لحظاتی تصور کنید که در همین دوران، دانشجو هستید و حسن‌تان را راجع به تمرین زیاد، پروژه، سرعت بالای تدریس اساتید و تهدید شدن به امتحان سخت! بفرمایید؟

اینجانب تمرین به میزان لازم، پروژه همیشه و سرعت در تدریس خیلی کمتر از قبل بوده است و هیچ کس را به امتحان سخت تهدید نکردیم. لذا نمی‌توانم در خصوص سؤال‌تان پاسخی بدهم.

ببینید، در مورد تمرین و پروژه و امتحان، گر چه باید دانشجو را در نظر گرفت اما بنده این حق را هم به اساتید می‌دهم که نگران آموزش پذیری دانشجوین باشند؛ چون این روند معلوم نیست تا کی ادامه داشته باشد و همه

در فضای دانشجویی بوده‌ایم و می‌دانیم خصوصیت خیلی از دانشجویان این است که تا اجبار و تمرین و خواستن نباشد خیلی به درس نمی‌پردازند یعنی خصوصیت خیلی از ماها این است که نیروی گریز از درس داریم و حالا که در دایره مشکلات تدریس مجازی و مشکلات کرونا و جامعه قرار گرفتیم سرعت آن زیاد می‌شود لذا اساتید از ترس ضربه خوردن به آموزش تصمیماتی می‌گیرند که دانشجو احساس می‌کند دارد در مورد او سخت‌گیری می‌شود و البته اساتید باید در نظر داشته باشند که سخت‌گیری زیاد از حد نتیجه بخش نیست بلکه گاهی نتیجه منفی هم می‌دهد

۴. اخیراً بحث چگونگی برگزاری امتحانات داغ شده است و اخبار ضد و نقیضی از احتمال حضوری برگزار شدن امتحانات شنیده می‌شود؛ این در حالی است که چند روزی ست آمار مبتلایان به کرونا سیر صعودی پیدا کرده. به عنوان یک استاد ترجیح‌تان کدام گزینه است؟ امتحان مجازی بی کرونا یا امتحان حضوری با کرونا؟

من شدیداً با امتحان حضوری برای این ترم مخالفم و معتقدم استاد بعد از جلسه پنجم حدوداً ظرفیت دانشجو و حدود نمره او را می‌داند لذا امتحان به معنای اثبات این ادعاست. لذا حتی اگر احتمال قلب در امتحان مجازی نیز اثبات شود باز خللی در شناخت ما از دانشجو وارد نمی‌کند.

خوب معلوم است سلامت جسمی و روحی مهم‌تر از هر چیزی است لذا اگر قرار باشد امتحان حضوری آسیب به کسی برساند امتحان مجازی در اولویت است.

۵. اگر خاطره جالبی از این چندماه آموزش مجازی دارید بفرمایید

یکی از قشنگ‌ترین پدیده‌های این نوع تدریس، دانشجوین افغانستانی اینجانب بودند که در کنار خانواده در کشور خودشان سر کلاس‌های من حاضر می‌شدند و تنها دغدغه ایشان سرعت اینترنت‌شان بود.

بله خاطرات جالب و خوبی دارم که مجال گفتن آن نیست از جمله این‌که عادت بنده این بود که در مابین کلاس چندین بار اعلام می‌کردم تا بچه‌ها حاضری خود را بزنند و در آخر هم حضور و غیاب می‌کردم؛ در یک جلسه‌ای یکی از دانشجوین با اینکه سیستمش روشن بود در هیچ مرتبه‌ای حاضری خود را اعلام نکرد اما در حضور غیاب آخر اعلام حضوری کرد گفت: «شما در کلاس حضور نداشتی. راستش را بگو خواب بودی؟» او هم با کمال صداقت گفت: «نه استاد نوبت آرایشگاه داشتم و رفته بودم آرایشگاه!!!»

۶. استاد گل محمدی نمره منفی آخه؟؟ این حجم از سخت‌گیری گروه معارف واقعیه یا این‌طور به نظر می‌آید؟

بله نمره منفی برای ما هم داستانی شده! البته گروه معارف تقریباً تمام تصمیماتش را به

صورت نظر گروهی می‌گیرد؛ یعنی ابتدا با همه اعضای هیأت علمی گروه در میان می‌گذارد و بعد از بحث و بررسی و رأی گیری نظر خود را اعلام می‌کند. در مورد نمره منفی هم این اتفاق افتاد و بعد از بحث و بررسی زیاد، رأی اکثریت بر نمره منفی شد که البته رأی بنده غیر از این بود! اما اساتید موافق چند دلیل برای آن آوردند: اول این‌که دانشجوین ۵ نمره غیر از سوال امتحان می‌گیرند که ۳ نمره آن اضافه بر ۲۰ است یعنی ۲ نمره به خاطر گواهی سایت نهاد در ازای غیبت قبل از عید و ۳ نمره اضافه بر ۲۰ هم به خاطر کنفرانس و فعالیت‌های کلاسی و مواردی که استاد تشخیص می‌دهد می‌تواند به دانشجو بدهد و علاوه بر آن هنگام امتحان کتاب هم جلوی دانشجو باز است امکان سرچ هم در فایل کتاب‌ها وجود دارد این‌ها همه مواردی است که دانشجو به راحتی می‌تواند بدون مطالعه کتاب امتحان خوبی بدهد لذا گفتند نمره منفی جهت این باشد که حداقل دانشجو مجبور باشد قبل از امتحان یک نگاهی هم به کتاب بیندازد که البته با توجه به شناختی که نسبت به دانشجوین در مورد مطالعه دروس عمومی داریم دلیل قانع کننده‌ای بود؛ از این رو به نظرم اگر همه جوانب را ببینیم اصلاً سخت‌گیری نشده. این را هم بگویم که دنبال این هستیم تا اگر بشود برخی موارد مدنظر را در شیوه برگزاری امتحان مجازی ایجاد کرده و نمره منفی را برداریم؛ ببینیم تا چه پیش می‌آید. به اساتید هم سفارش کرده‌ایم اصلاً در این ترم سخت نگیرند و مراعات حال دانشجو را بکنند.

۷. اگر حرفی، سخنی یا نکته‌ی به جا مانده‌ای هست بفرمایید

در این دوران برای اولین بار جزوات درسی من منظم گردید بطوری‌که برای هر متن یک ارائه نیز ایجاد شد. شکل‌هایی که پای تخته می‌کشیدیم همه به فرمت عکس در آمد و احتمالاً با یک حرکت کوچک امکان تألیف کتاب بوجود می‌آید. اما یک نکته مهم؛ یکی از وظایف اساتید دانشگاه شاگرد پروری است و این مهم فقط تدریس نیست. دانشجو باید با استادش زندگی کند. مثلاً ساعات‌ها مشاوره‌ای که در دانشگاه به دانشجو می‌دادیم در ترم گذشته حذف شده است و به نظرم جبران این خسارت غیر ممکن است.

تقریباً دو ماهی است که دچار آموزش مجازی شده‌ایم و کم کم داریم به بد و خوبش عادت می‌کنیم؛ از این رو تصمیم گرفتیم در این شماره از نشریه میثاق، با تعدادی از اساتید راجع به کلیت آموزش مجازی و حواشی و متعلقاتش مصاحبه‌ای داشته باشیم. در ادامه مصاحبه‌ی میثاق با استاد گل محمدی، مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه، و استاد یاراحمدی، عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی معدن و متالورژی و رییس پژوهشکده فناوری‌های معدن‌کاری، را مطالعه می‌کنید.

هفته نامه انجمن

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه یزد



انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه یزد
بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین تشکل دانشجویی استان یزد
پرمخاطب‌ترین تشکل دانشجویی با میانگین 2300 نفر ثبت‌نام کننده در اردوی کبوتر حرم
و میانگین 1300 نفر شرکت کننده در انتخابات سالانه‌ی انجمن اسلامی
تنها تشکل دارای حق رأی در شورای فرهنگی دانشگاه
(به عنوان نماینده دانشجویان به سبب بزرگ‌ترین تشکل دانشجویی بودن)
برگزار کننده 27 دوره اردوی 500 نفره کبوتر حرم (بزرگ‌ترین اردوی دانشجویی استان یزد)
برگزار کننده یکی از بزرگ‌ترین جشن‌های دانشجویی دانشگاه یزد
اولین و تنها برگزار کننده جشن کاملاً دخترانه در دانشگاه یزد
برگزار کننده برنامه‌های بزرگ و پرمخاطب با موضوعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز پرشماره‌ترین نشریه دانشجویی در استان یزد



چرا در انتخابات انجمن رأی بدهیم؟

آقای اثناعشری

همین الان که دارید این متن را می‌خوانید در لینک <https://b2n.ir/879849> انتخابات انجمن اسلامی دانشجویان در حال برگزاری است. حالا چرا باید در این انتخابات رأی بدهیم؟

« تصمیم‌گیری راجع به پول فرهنگی تان »

بودجه فرهنگی دانشگاه، سالانه یک میلیارد تومان است؛ هرچند نسبت به کل بودجه دانشگاه حتی نیم درصد آن هم نمی‌شود ولی شانزده هزار دانشجوی این دانشگاه، حقی در این پول دارند و دانشگاه وظیفه دارد مطابق با آن به شما خدمات فرهنگی ارائه دهد که از طریق نهادهای دانشجویی این پول تبدیل به خدمات فرهنگی شده و به دانشجویان ارائه می‌شود. لذا شما می‌توانید با شرکت در انتخابات، بهترین گزینه‌های مدنظر خود جهت ارائه این نوع خدمات را انتخاب کنید و در نحوه هزینه کرد این بودجه‌ی مختص به شما، تصمیم‌گیر باشید.

« ایجاد قدرت دانشجویی »

تشکل‌ها علاوه بر مطالبه‌گری در داخل دانشگاه، نسبت به ارگان‌های دولتی خارج از دانشگاه به دلیل بعد سیاسی‌ای که دارند، توانایی مطالبه و پیگیری دارند. لذا با افزایش مشارکت در انتخابات تشکل‌ها، یک قدرت دانشجویی ایجاد می‌شود که تشکل‌ها می‌توانند به وسیله آن از نهادهای برون دانشگاهی مطالبه انجام دهند. و بهترین تشکل برای این سرمایه‌گذاری اجتماعی، تشکلی است که این سرمایه را نه با فعالیت‌های حزبی و جناحی به احزاب و باندهای قدرت خارج از دانشگاه می‌فروشد و نه با ماهیت سازمانی، آن را به جیب سازمان‌های فرا دانشگاهی می‌ریزد.

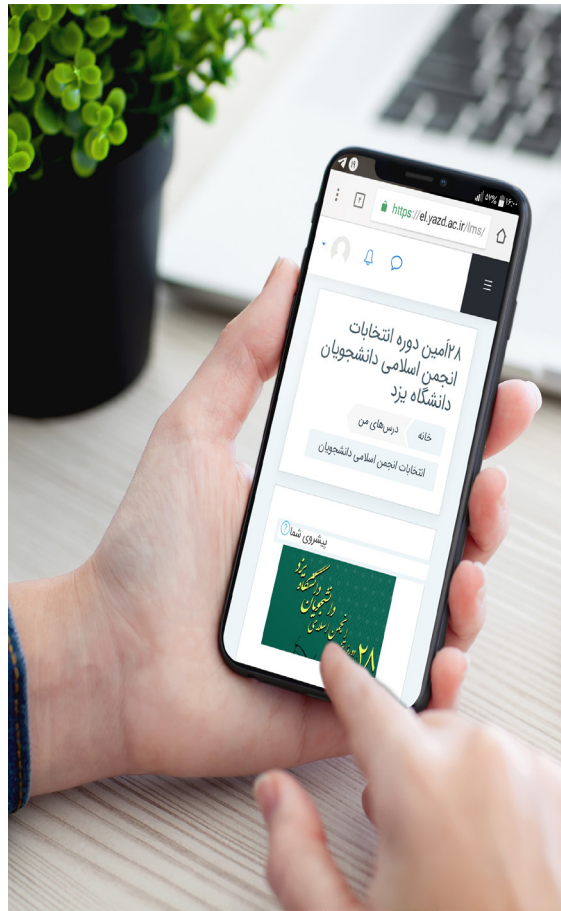
« مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی »

همان‌طور که در بند قبل گفته شد، افزایش مشارکت در انتخابات باعث ایجاد یک قدرت دانشجویی می‌شود که این قدرت اجتماعی، باعث تسهیل در جذب بودجه‌های بیشتر جهت فعالیت و ارائه خدمات فرهنگی بهتر به دانشجویان می‌شود؛ پس رأی شما علاوه بر ایجاد قدرت اجتماعی، می‌تواند به راحتی تبدیل به بودجه جهت ارائه برنامه‌های فرهنگی بهتر شود، که در صورت رأی ندادن این بودجه‌ای که می‌توانید برای خود خلق کنید از بین رفته و دیگر به دانشگاه نمی‌آید.

« سخن آخر »

پس از شما درخواست می‌کنم با صرف کمتر از پنج دقیقه وقت، با مراجعه به لینک <https://b2n.ir/879849> اقدام به رأی دادن کنید و باعث خلق اتفاقات بهتر در دانشگاه شوید.

این بود شرحی از مهم‌ترین فعالیت‌های یک‌ساله انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه یزد. باشد که دانشجویان خواننده این متن، با دید بازتر و اطلاعات کامل‌تر نسبت به این تشکل، در انتخابات آنان شرکت کرده و یا رأی دادن به دغدغه‌مندان فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دانشگاه و جامعه، زمینه را برای فعالیت‌های بهتر و مفیدتر تشکل انجمن اسلامی فراهم کنند. خبرنگار واحد خبرگزاری دانشجو: زالف



اما دوازدهمین برنامه آن‌ها **تشکیل گروهی جهادی** در شهر اصفهان برای تهیه ماسک و گان بهداشتی برای مقابله با کرونا بود که البته به صورت جمعی و در واقع طی همکاری با دانشجویان دانشگاه‌های دیگر و مردم انجام شد. (جهاد ادامه دارد)



و در نهایت آخرین و می‌توان گفت ضروری‌ترین فعالیت انجمن، **طرح ارسال کتاب از خوابگاه به خانه** در دوران تعطیلی و قرنطینه خانگی بود که سبب شد جزوهای دورمانده از دست صاحبان‌شان به آغوش دانشجویان بازگردند، حتی اگر مورد عنایت خوانده شدن قرار نگیرند!



دهمین برنامه انجمن اسلامی که باعث شد سالن آمفی تئاتر دانشگاه بار دیگر جمعیت زیادی را به خود ببیند، دعوت از آقای رائفی پور با عنوان **«پیشیت درهای شیشه‌ای»** بود که به بحث شفافیت آرای نمایندگان می‌پرداخت. (استاد همه چی دون)



یازدهمین و بی سابقه‌ترین برنامه در طول تاریخ انجمن اسلامی، **مناظره میان کاندیدهای انتخابات مجلس** بود که با همکاری بزرگ‌ترین تشکل اصلاح طلب دانشگاه برگزار شد و می‌توان گفت یکی از اصلی‌ترین دلایل حضور دانشجویان در این برنامه، تعجب‌شان از همکاری این دو تشکل دارای تفکرات کاملاً متفاوت، بود.



رشته تحصیلی	شماره دانشجویی	نام و نام خانوادگی
ارتباط تصویری	۹۷۴۵۰۲۳	الهام عمادی
ارتباط تصویری	۹۷۲۹۳۶۳	راضیه بابایی
مهندسی شهرسازی	۹۷۲۸۱۱۳	زهرا اعتمادی
مهندسی شهرسازی	۹۸۴۱۳۲۳	سعیده ملکی
مهندسی معماری	۹۸۴۷۵۰۳	عظیبه رحیمی نژاد
مهندسی معماری	۹۷۵۵۵۸۳	علی حسینی
ارتباط تصویری	۹۷۵۲۹۱۳	فرزانه نیشابوری
مهندسی شهرسازی	۹۷۲۸۶۲۳	مریم السادات امامی
مهندسی معماری	۹۶۴۲۱۲۳	مریم صالح نیا
ارتباط تصویری	۹۷۲۸۴۴۳	نگارا کبری

رشته تحصیلی	شماره دانشجویی	نام و نام خانوادگی
مهندسی کامپیوتر	۹۸۳۳۶۱۳	الهام شریلیا
مهندسی معدن	۹۷۲۷۷۲۳	امینه اسلاملو
مهندسی مکانیک	۹۷۵۲۹۰۳	حسین نسیریان گرانی
مهندسی برق	۹۸۲۴۲۱۳	حمیده برزگری
مهندسی عمران	۹۸۲۵۲۳۳	زینب عباس زاده
مهندسی نساجی	۹۷۴۴۱۰۳	سمیه عباسی
مهندسی کامپیوتر	۹۸۲۴۰۵۳	سید علی بحرینی
مهندسی معدن	۹۷۵۱۵۲۳	سید محسن میرعلمی
مهندسی نساجی	۹۸۴۲۳۰۳	علی اکبر ناصری کوچه بیوکی
مهندسی صنایع	۹۸۳۰۰۵۳	علی رادمنش
مهندسی مواد	۹۶۴۱۶۲۳	علیرضا شیرمرادی
مهندسی معدن	۹۸۲۳۸۶۳	علیرضا یآوری بافقی
مهندسی برق	۹۸۳۱۱۶۳	فاطمه رهنما
مهندسی نساجی	۹۷۲۹۶۶۳	فاطمه زاهدپناه
مهندسی نساجی	۹۷۴۱۲۵۳	فاطمه شاکری
مهندسی معدن	۹۸۲۸۲۸۳	محمد حامد خسروی
مهندسی برق	۹۸۲۹۵۲۳	محمد دهقان منشادی
مهندسی عمران	۹۸۳۷۱۰۳	محمد فرماتی
مهندسی برق	۹۶۲۹۲۳۳	محمد رضا زماطیان
مهندسی کامپیوتر	۹۶۴۳۱۷۳	مریم عادل
مهندسی عمران	۹۷۲۵۲۸۳	مسلم خنشان
مهندسی معدن	۹۸۲۲۹۸۳	هادی نوروزی

رشته تحصیلی	شماره دانشجویی	نام و نام خانوادگی
آمار	۹۸۲۷۷۴۳	ابوالفضل حیدری
شیمی	۹۵۲۲۶۱۳	امیررضا لطفعلی
زیست شناسی	۹۶۲۷۸۱۳	پوریا امرایی
بیوتکنولوژی	۹۶۲۲۷۲۳	ریحانه طائبی
زیست شناسی	۹۶۴۷۰۸۳	ساجده کمالی
شیمی	۹۸۴۱۹۲۳	سیده زهرا میرحلیلی
زیست شناسی	۹۷۵۳۷۹۳	عباس یآوری
زیست فناوری	۹۸۳۳۱۶۳	علی شاه رجیبیان گرگانی
زیست شناسی	۹۵۲۶۰۲۳	فاطمه ایزدی
شیمی	۹۷۵۲۷۷۳	فاطمه سادات نوروز زاده
شیمی	۹۶۳۷۱۱۳	فرهاد رستمی
شیمی کاربردی	۹۸۲۲۰۷۳	مانده میرزائی
فیزیک	۹۴۴۰۱۲۳	مجتبی محمدی
فیزیک	۹۶۴۱۱۱۳	محراب شفیعی
آمار	۹۶۴۳۴۴۳	محمد مهدی عبدالطهی فرانشاه
فیزیک	۹۸۳۱۳۹۳	محمد رضا زارع
شیمی کاربردی	۹۶۵۶۷۸۳	مرضیه حیدری وند
زمین شناسی	۹۶۵۳۰۱۳	مزگان یزدانی
فیزیک	۹۸۳۳۴۴۳	مطهره صادقیان
آمار	۹۸۳۱۵۷۳	مهشید ابراهیمی

رشته تحصیلی	شماره دانشجویی	نام و نام خانوادگی
علوم سیاسی	۹۸۲۹۵۰۳	ابوالفضل دهقان
جغرافیا	۹۸۴۰۰۵۳	الناز محمدی
علوم سیاسی	۹۷۵۶۱۰۳	امین ترابی فر
مدیریت بازرگانی	۹۶۴۷۰۶۳	انسیه کمالی
علم اطلاعات و دانش شناسی	۹۸۴۱۳۱۳	ایمان ملکی
روانشناسی	۹۷۲۷۳۴۳	حسین اخوندی اناری
مدیریت بازرگانی	۹۸۲۴۴۴۳	حسین بعیدی
علوم تربیتی	۹۶۵۰۷۸۳	زهرا السادات میردهقان
روان شناسی	۹۸۰۸۹۱۴	زهرا دلاوری
علوم تربیتی	۹۶۴۴۴۲۳	زهرا غضنفری
علوم ورزشی	۹۶۵۷۴۹۳	زهرا زارعی
علم اطلاعات و دانش شناسی	۹۸۳۳۳۶۳	زهره شجاعی
مددکاری اجتماعی	۹۶۴۰۹۸۳	زینب شریلی
روانشناسی	۹۷۴۱۱۳۳	سعید سیدی
مددکاری اجتماعی	۹۶۳۴۲۹۳	عارفه خرم نژاد
فقه و حقوق	۹۸۲۸۲۹۳	عاطفه خسروی
مدیریت بازرگانی	۹۷۳۳۳۴۳	عرفان حبیب زاده
فقه و حقوق	۹۶۲۹۲۶۳	عظیبه بلادر
روانشناسی	۹۸۴۱۵۶۳	علی مودت
جغرافیا	۹۷۳۳۵۲۳	فاطمه حسن پور
علوم تربیتی	۹۶۴۱۳۷۳	فاطمه شهابی
مددکاری اجتماعی	۹۸۳۹۳۳۳	فاطمه کوهستانی
زبان و ادبیات عرب	۹۷۴۹۴۶۳	فاطمه محمدی
زبان و ادبیات عرب	۹۷۴۴۴۱۳	محدثه عربی
فقه و حقوق اسلامی	۹۷۳۲۲۶۳	محمدجعفری نجف آبادی
مدیریت صنعتی	۹۶۳۶۰۰۳	محمد رضا اثناعشری
علوم سیاسی	۹۶۳۱۱۵۳	مرضیه جزائری
علوم تربیتی	۹۶۲۶۴۲۳	مریم ادربی
علوم تربیتی	۹۸۴۱۵۱۳	مریم منوری
مددکاری اجتماعی	۹۶۴۱۰۴۳	مطهره شعبان زاده یزد
حقوق	۹۸۴۲۴۲۳	مطهره نجارزاده
زبان و ادبیات عرب	۹۷۳۵۸۲۳	معصومه دستان
حسابداری	۹۶۳۸۴۴۳	مهدیه زارع
مددکاری اجتماعی	۹۶۴۰۲۵۳	نیلوفر سلیمیان
فقه و حقوق اسلامی	۹۸۲۵۲۹۶	هانیه پور محمودیان

رشته تحصیلی	شماره دانشجویی	نام و نام خانوادگی
مهندسی محیط زیست	۹۷۴۴۴۴۳	ابوالفضل طاهمیری
مهندسی محیط زیست	۹۷۳۳۶۲۳	زهرا حسینی
مهندسی محیط زیست	۹۷۳۴۴۴۳	سمانه حیدری
مهندسی محیط زیست	۹۶۵۰۸۰۳	فاطمه السادات میردهقان
مهندسی محیط زیست	۹۷۴۵۶۶۳	محمد فتحیان دستگردی
مهندسی محیط زیست	۹۷۳۲۲۴۳	مهران جعفری

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه یزد

مدیرمسئول: محمد رضا اثناعشری* سردبیر: خانم ایزدی* جانشین سردبیر: آقای یآوری* ویراستار: خانم فدائی* طراح و صفحه آرا: خانم حسینی